



روایت در فیلم داستانی  
(جلد اول)  
ویراست ۲

دیوید بردول

ترجمه‌ی سیدعلاءالدین طباطبایی

**Narration in the Fiction Film (1)**

David Bordwell

Translated by: S. A. Tabatabaei

The University of Wisconsin press, 1985, pp1 - 146



## فهرست

مقدمه‌ی ناشر ..... ۹

مقدمه‌ی مترجم ..... ۱۰

مقدمه ..... ۱۳

### بخش ۱: برخی از نظریه‌های روایت ..... ۲۳

فصل اول: نظریه‌های تقلیدی روایت ..... ۲۵

پرسپکتیو به‌مثابه‌ی روایت ..... ۲۸

پرسپکتیو و زاویه‌ی دید در ادبیات ..... ۳۸

شاهد نامرئی ..... ۴۳

آیزنشتاین: روایت به‌مثابه‌ی صحنه‌آرایی ..... ۵۲

فصل دوم: نظریه‌های زبان‌بنیاد روایت ..... ۶۱

روایت فیلم به‌مثابه‌ی فرازبان ..... ۶۶

روایت فیلم به‌مثابه‌ی بیان ..... ۷۴

### بخش ۲: روایت و شکل فیلم ..... ۸۹

فصل سوم: فعالیت تماشاگر ..... ۹۱

طرحی برای روان‌شناسی ادراک و شناخت فیلم ..... ۹۶

درک روایت ..... ۱۰۴

دیدن و باور کردن ..... ۱۲۲

فصل چهارم: اصول روایتگری ..... ۱۴۳

داستان، پیرنگ، سبک ..... ۱۴۶

تاکتیک‌های مربوط به ساخت پیرنگ ..... ۱۵۹

اطلاعات، خودآگاهی، اطلاع‌رسانی ..... ۱۶۹

راوی، مؤلف ..... ۱۸۱

فصل پنجم: گناه، قتل و روایت ..... ۱۸۵

فیلم پلیسی ..... ۱۸۶

ملودرام ..... ۲۰۴

فصل ششم: روایت و زمان ..... ۲۱۵

ویژگی‌های ساخت زمانی ..... ۲۲۱

ترتیب زمانی ..... ۲۲۲

بسامد زمانی ..... ۲۲۸

مدت ..... ۲۳۱

روش‌های پرداخت زمانی و نتایج حاصل از آنها ..... ۲۴۹



می‌گوید یا از زبان شخصیت ساخته و پرداخته‌ی خویش؟ چنین صورت‌بندی‌هایی<sup>۱</sup> به انحای گوناگون مشکل‌آفرین‌اند و تا کنون نیز جدل و کشمکش درباره‌ی آن‌ها فرونشسته است. من نیز صرفاً، برای تمایز قائل شدن میان دو فرایافت پُراهمیت درباره‌ی روایت، همان تمایزی را که ارسطو قائل شده به کار می‌گیرم. نظریه‌های «زبان‌بنیاد»<sup>۲</sup> روایت را، خواه به لحاظ ادبی و خواه از نظر قیاسی<sup>۳</sup>، فعالیتی کلامی و در واقع نوعی «نقل»<sup>۴</sup> تلقی می‌کنند. این نقل ممکن است شفاهی یا کتبی باشد. در فصل دوم، نظریه‌های برجسته‌ی زبان‌بنیادی بررسی خواهد شد که در زمینه‌ی روایت فیلم بیان شده‌اند. نظریه‌های تقلیدی روایت را هم‌چون نمایش<sup>۵</sup> یک منظره، یا به سخن دیگر، نوعی «عمل نشان دادن» قلمداد می‌کنند. در ضمن، نباید از نظر دور داشت که چون وجه افتراق (میان نظریه‌های تقلیدی و زبان‌بنیاد) فقط در مورد شیوه‌ی تقلید صادق است، هر دو نظریه را می‌شود در هر رسانه‌ای به کار گرفت. اگر شما معتقد باشید که میان روش‌های روایی داستان و نمایش نوعی مشابهت و همانندی برقرار است، چه بسا یکی از نظریه‌های تقلیدی را در مورد رمان اختیار کنید و اگر مناظر بصری را قابل قیاس با «انتقال زبانی»<sup>۶</sup> می‌دانید، ممکن است یکی از نظریه‌های زبان‌بنیاد را برگزینید. تمایز ارسطویی به ما امکان می‌دهد دو سنت اساسی بازنمایی روایت را با یکدیگر مقایسه کنیم و ببینیم چگونه نظریه‌ی فیلم بر اساس هریک از آن‌ها بنا شده است.

فرایافت ارسطو درباره‌ی تقلید اساساً در مورد نمایش تئاتری صادق است. بنا به گفته‌ی جرالده‌الس<sup>۷</sup>، قدیمی‌ترین مفهوم تقلید چیزی کم‌ویش چنین بود: «تقلید از موجودات زنده، حیوان و انسان با حرکات بدن و صدا (نه ضرورتاً آواز) و بدون

#### 1. formulations

۲. diegetic: این واژه برگرفته از «diegesis»، به معنای حکایت و داستانی است که بیشتر از طریق زبان روایت می‌شود. بدین ترتیب، روایت زبان‌بنیاد قطعه‌ی مقابل روایت تقلیدی است که معمولاً از رهگذر نمایش عرضه می‌شود - م.

#### 3. analogically

#### 4. telling

#### 5. presentation

#### 6. linguistic transmission

#### 7. Gerald F. Else

#### 8. central linear perspective

ارسطو در رساله‌ی بوطیقا، میان ابزارهای تقلید (رسانه، هم‌چون نقاشی و زبان)، موضوع تقلید (جنبه‌ای از رفتار انسانی) و شیوه‌ی تقلید (چگونگی تقلید از پدیده‌ها) تمایز قائل می‌شود. او سه شیوه‌ی ممکن تقلید را مشخص می‌کند:

«شاعر امکان آن را دارد، از رهگذر روایت، به تقلید دست زند که در این حال، یا هم‌چون هُمر<sup>۲</sup> در قالب شخصیتی دیگر فرومی‌رود یا از زبان خود بی‌هیچ تغییری سخن می‌گوید. راه سومی نیز هست: این که همه‌ی شخصیت‌هایش را هم‌چون افرادی زنده در برابر دیدگان ما مجسم کند» [۱].

پیداست که در این جا، تفاوت بنیادین میان «گفتن» و «نشان دادن» است. در چارچوب مقوله‌ی گفتن تفاوت دیگری نیز مطرح است: شاعر از زبان خود سخن

۱. *Poetika*: ترجمه‌ی انگلیسی آن *Poetics* است. نام رساله‌ی از ارسطو که بوطیقا معرب آن است. هر چند این واژه در فرهنگ اسلامی-ایرانی به مفهوم صنعت شاعری یا به عبارتی به فن شعر معروف شده، ارسطو خود در این کتاب عمدتاً نه فقط به شعر و شاعری، که به تقلید و تصویر در هنرهای نمایشی، به‌ویژه تراژدی نیز پرداخته است - م.

#### 2. Homer